

حوادث ۱۹ جرم

تلنگر

درگیری بعد از اعدام قاتل

تیراندازی ارادل و اوباش در ایزده به علت اعدام يك قاتل سه مجروح بر جا گذاشت. به گزارش آخرین خبر، ساعت ۱۹ سه شنبه سی ام مهر امسال، يك قفره تیراندازی در خیابان خرمشهر ایزده به پلیس گزارش شد. ماموران با حضور در آنجا متوجه شدند سه نفر زخمی شده‌اند که در بیمارستان بستری‌هستند. پلیس در جست و جوی متهمان فراری است. به گفته يك منبع آگاه، این درگیری در پی اعدام قاتلی در همان روز حادثه رخ داده و باعث شده‌که ارادل و اوباش با ارسال پیام به خانواده مقتول در صدد نامنی‌های ادامه دار در شهر ایزده شوند.

تنبیه دردسر آفرین دانش آموز

معاون یکی از مدارس پسرانه در شهر یزد در پی تنبیه دانش‌آموزی باعث پاره شدن پرده گوش او شد.

محسن گلستانی‌فر، مدیر روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش به ایسناگفت؛ حتما با فرد خاطی برخورد جدی می‌شود. کارشناسان آموزش و پرورش در حال بررسی موضوع هستند.

این گزارش حاکی است، دانش‌آموز مصدوم پایه هفتم یکی از مدارس یزد بوده که بعد از سبیلی معاون مدرسه، پرده گوشش پاره شده است.

مرگ استادکار، ۶ زندگی بشید

اهدای اعضای بدن يك استادکار سنندجی، جان شش نفر نجات داد. به گزارش ایلنا، سلمان نصیری، کارگر ساختمانی کردستانی (برقکار) به دلیل حادثه کار و سقوط از ارتفاع در شهر سنندج دچار مرگ مغزی و به بیمارستان منتقل شد. با تایید مرگ مغزی او با اقدام خیرخواهانه خانواده‌اش برای اهدای اعضای بدن وی، پیکر او به تهران منتقل شد و شش عضو بدن او به بیماران پیوند خورد و زندگی بخشید.

دار زدن خواهر به دست برادر

مردی در شهرستان کوه چنار، در پی اختلاف خانوادگی خواهرش را به دار آویخت. سرهنگ کاووس محمدی، معاون اجتماعی نیروی انتظامی استان فارس به ایرنا گفت؛ فردی در تماس با پلیس اطلاع داد که جسد حلق‌آویز شده دختر ۲۹ ساله‌ای در خانه‌ای در قائمیه کشف شده است.

وی افزود؛ ماموران از خانواده او تحقیق کردند که آنها مدعی بودند دخترشان به انگیزه‌ای نامعلوم با طناب خود را دار زده است. با تحقیق بیشتر معلوم شد او به دست برادرش به قتل رسیده است. این مرد بازداشت شد و قتل به انگیزه اختلاف خانوادگی اعتراف کرد.

ناکامی آدم‌رباها

در اخاذی ۸۰ میلیون تومانی

دختر هشت ساله که يك هفته پیش در شرق کشور روده شده بود، نجات یافت. به گزارش جام جم، سرهنگ ابراهیم ملاشاهی، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان گفت؛ ساعت ۱۵ و ۵۳ دقیقه بیست و یکم مهر امسال وقوع روده شدن دختر هشت ساله‌ای به پلیس گزارش شد. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که او توسط سرنشینان خودروی پژو پارس روده شده است. ساعاتی بعد از این ماجرا آدم‌ربایان با خانواده او تماس گرفته و برای آزادی اش ۸۰ میلیون تومان پول خواسته بودند. در ادامه رد دو نفر که با خانواده شاکي اختلاف مالی داشتند به دست آمد. پلیس در تعقیبشان بود تا این‌که بعد از يك هفته ربایندگان از ترس دستگیری گروگان را در یکی از خیابان‌های حوالی محل سکونتش رها کردند.

کشف ۳۹ جسد در يك کامیون

پلیس انگلیس اجساد ۳۹ نفر متعلق به پناهجویان را در کامیونی کشف کرد. به گزارش تسنیم، با مباد چهارشنبه. دیروز اجساد ۳۸ فرد بزرگسال و يك نوجوان که در کامیونی در منطقه صنعتی گریز در استان اسکس در شرق لندن پارک شده بود، در قسمت بار آن کشف شد. همزمان با کشف این اجساد که مهاجران غیر قانونی بودند، راننده ۲۵ ساله که اهل ایرلند شمالی است بازداشت شد. پلیس احتمال می‌دهد کامیون کشف شده از بلغارستان وارد خاک انگلیس شده باشد.



طلاي آب شده و کاغذ می‌کرد. مجموع گردش حساب‌های بانکی این فرد در بازه زمانی ۹۳ تا ۹۷ بالغ بر ۱۲ تریلیون ریال بود. او از سال ۹۶ تاکنون متواری بود تا این‌که پلیس توانست ساعت ۱۱ صبح ۲۷ مهر این سوداگر بازار ارز را در مخفیگاهش دستگیر کند. با دستور قضایی بالغ بر ۸۳ میلیارد تومان از حساب بانکی وی توقیف شده است.

تحقیقات، ردپای مردی به هویت (ج. ح) به دست آمد. او با همکاری وحید مظلومی -معروف به سلطان سکه- سکه و ارزها را از بازار جمع‌آوری کردند و به این ترتیب موجب افزایش قیمت سکه می‌شدند. وی افزود: این فرد مالك مغازه طلافروشی در بازار بود و در زمان آشفتنگی بازار تحت پوشش خرید و فروش طلا، اقدام به معاملات

بازداشت دلال سکه ۱۲ تریلیونی

همدست سلطان سکه که از دلالان سکه و ارز با گردش حساب بانکی ۱۲ تریلیون و ۵۵۲ میلیارد ریالی بود، بازداشت شد. سرهنگ نعمت... علیپور، رئیس پلیس امنیت اقتصادی پایتخت به پایگاه خبری پلیس گفت؛ پس از شناسایی و دستگیری سلطان سکه، شناسایی همدستان وی نیز در دستور کار پلیس قرار گرفت تا این‌که در جریان

فروش گوشی تلفن همراه زن جوان جنابیتی را رقم زد

عاقبت تلخ عشق ممنوعه



پرداختند. پسر جوان مدعی شد ظهر روز حادثه دو پسر جوان همراه زنی به خانه ام آمدند و مدعی شدند قصد فروش يك دستگاه گوشی را دارند. آنها سپس با ما درگیر شدند و با سرعت از خانه ام فرار کردند.

ماموران با بررسی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل درگیری، تصویر دو پسر جوان را به دست آوردند و با توجه به سابقه دار بودن آنها، خیلی زود هویتشان را فاش کردند. دو پسر جوان در دو عملیات جداگانه دستگیر شدند و در بازجویی‌ها ادعای دیگری را مطرح کرده و مدعی شدند روز حادثه همراه دختر جوانی به خانه دوست مقتول رفته تا گوشی تلفن همراهی را بفروشیم اما آنها پیشنهاد بی شرمانه‌ای را دادند که باعث درگیری شد و انگیزه‌شان از قتل سرعت نبوده است. البته تحقیقات درباره این ادعا ادامه دارد و متهمان با رسانی صحنه قتل روانه زندان شدند.

رئیس پلیس آگاهی البرز تاکید کرد؛ در این پرونده ناتوانی در کنترل خشم و همراه داشتن چاقو باعث ارتکاب قتل شده بود. متهمان در این درگیری وقتی خود را ناتوان در مقابله با مقتول و دوستش دیدند از چاقو استفاده کرده و همراه داشتن چاقو از سوی آنها یکی از دلایل وقوع قتل است.

خیانت شیما، ۳ زندگی را نابود کرد

احسان تصور نمی‌کرد عشق و علاقه‌اش به دختر جوان و خیانت او، سه زندگی را نابود کند. به‌خاطر دختری دعوایی مرگبار را رقم زد که ازدواجش را از او مخفی کرده بود. حالا و دوستش در زندان روزهای خود را سپری می‌کنند و پسر دیگری نقاب در خاک کشیده است. در ادامه صحبت‌های او را در مورد زندگی و انگیزه‌اش برای قتل می‌خوانید.

چند سال داری؟

۲۷ سال

سابقه داری؟

بله، چند بار به اتهام سرقت، مواد و درگیری دستگیر و روانه زندان شدم.

اعتیاد هم داری؟

شیشه و هروئین مصرف می‌کنم.

چند سال است؟

دقیق نمی‌دانم شاید سه سال.

چرا به سمت اعتیاد رفتی؟

مشکلات روحی و روانی داشتم. فقط مصرف مواد آرام می‌کرد.

مجردی؟

بله، می‌خواستم ازدواج کنم که به‌خاطر عشقم همه زندگی‌ام را باختم.

بیشتر توضیح می‌دهی؟

دو سال قبل با دختری به نام شیما آشنا شدم. خیلی مهربان بود و همیشه حمایت می‌کرد. این که يك نفر همه جوهر کنارت باشد خیلی حس خوبی به آدم

می‌دهد.

می‌دانست معتادی؟

هم از اعتیادم خبر داشت و هم سابقه‌هایم.

پس چطور با تو ماند بهود؟

می‌گفت آدم جسوری هستی و از آدم‌های جسور خوشم می‌آید.

قصد داشتی با او ازدواج کنی؟

به‌خاطر ازدواج دو سال پایش ماندم.

پس چرا ازدواج نکردیدی؟

خانواده‌اش مخالف من بودند. آنها عشق ما را خراب کردند.

خودت جای پدر شیما بودی دخترت را به يك معتاد

سابقه دار می‌دای؟

وقتی می‌دیدم آن پسر عاشق دخترم است، قبول می‌کردم و کمکش می‌کردم تا ترك کند.

چرا مرتکب قتل شدی؟

به‌خاطر شیما. ماجرایش طولانی است.

بیشتر توضیح می‌دهی؟

۲۰ روز قبل از قتل، شیما به‌طور ناگهانی ارتباطش را با من قطع کرد. گوشی تلفن همراهش را خاموش کرده بود و هیچ راهی برای ارتباط با او نداشتم. بعد از ۲۰ روز مقابل خانه‌مان آمد و ادعا کرد در این مدت پدرش او را مجبور کرده با من ارتباط نداشته باشد. از من خواست گوشی تلفن همراهش را برایش بفروشم. یکی از دوستانم به نام سعید در کار خرید و فروش گوشی بود.

با او تماس گرفتم و همراه شیما به خانه‌اش رفتم. دوست سعید به نام سهیل هم آنجا بود. سعید گوشی را بررسی کرد و گفت؛ این گوشی‌ها خریدار ندارد و به کارش نمی‌آید. ما هم به‌خانه برگشتم. در طول مسیر رفتار شیما تغییر کرده بود و حرف نمی‌زد. چند بار علتش را پرسیدم که در آخر ادعا کرد سهیل به او نظر داشته است.

تو هم تصمیم گرفتی برای انتقام سهیل را بکشی؟

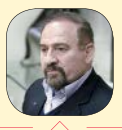
نه. از این موضوع ناراحت شدم، اما شاید شیما اشتباه کرده بود. خودم متوجه این موضوع نشده بودم.

پس چرا دوباره به آنجا برگشتی؟

در خانه نشسته بودیم که سعید تماس گرفت و از من خواست او را با دوستان شیما دوست کنم. این حرفش برابم سنگین بود. از يك طرف هم شیما تحریکم می‌کرد که باید با او برخورد تندی می‌کردم. این قدر عصبانی شده بودم که کنترل خود را از دست دادم. با دوستم میثم تماس گرفتم تا به‌خانه سعید و سهیل برویم و آنها را ادب کنیم.

وقتی میثم آمد سه نفری مقابل خانه سعید رفتم. برای این‌که او شک نکند، میثم مقابل در ایستاد. من با آنها درگیر شدم و شیما در را برای میثم باز کرد. با چاقویی که همراه داشتم، ضربه‌ای به پهلوی سعید زدم. او خودش را به بیرون از خانه رساند تا از همسایه‌ها کمک بگیرد که دوباره او را به خانه کشانندیم و درگیری ادامه پیدا کرد. میثم با سهیل درگیر شده بود

قتل‌های بدون برنامه



دکتر علی نجفی‌توانا

جرم‌شناس
و استاد دانشگاه

❖ قتل عمد به دو صورت رخ می‌دهد. در دسته اول افراد از قبل یکدیگر را می‌شناسند و با هم رابطه خویشاوندی یا آشنایی دارند و به‌خاطر سوءتفاهم، مسائل عاطفی یا مالی نقشه قتل را در سر می‌پروراند و با این نقشه مرتکب قتل می‌شوند. اما در دسته دوم دو طرف آشنایی قدیمی و دیرینه ندارند و در جریان نزاع آبی و خشم لحظه‌ای قتلی رخ می‌دهد. در این جنایت‌ها نقشه قبلی وجود ندارد و به نوعی جنایت‌های لحظه‌ای هستند. بیشتر قتل‌ها هم بر اساس همین حالت انفجاری رخ می‌دهد.

وقتی این نوع قتل‌ها را بررسی می‌کنیم، دو نکته قابل توجه است. اول ناتوانی در کنترل خشم و کاهش آستانه تحمل و دوم، همراه داشتن سلاح سرد یا گرم. برخی افراد دارای آستانه تحمل پایین هستند و در برابر عوامل کنشی سریع از خود واکنش نشان می‌دهند که گاهی همراه داشتن سلاح سرد یا گرم در این زمان جنابیتی را رقم می‌زند. خشونت يك نوع پاسخ اعتراض‌آمیز است که فرد نسبت به فشارهای درونی و بیرونی که به وی تحمیل شده، می‌دهد. فرد به وسیله اعمال خشونت، واکنش قهرآمیز خود را به عوامل ناخوشایندی که وی را تحت فشار قرار داده‌اند، ارائه می‌کند.

برای کاهش این نوع از جنایت‌ها ابتدا افرادی که دارای آستانه تحمل پایینی هستند باید، از روش‌های ارائه شده برای افزایش آستانه تحمل استفاده کنند. همچنین چاقو باید از دسترس راحت افراد حذف شود و اجازه حمل راحت آن داده نشود. افرادی که به‌راحتی سلاح حمل می‌کنند باید بداندن، حمل اسلحه غیرمجاز و خرید و فروش آن جرم است و به عنوان يك بزه قابل مجازات در قوانین ما از قدیم‌الایام بوده و برای آن عنوان جزایی و مجازات تعیین شده است؛ البته این رویکرد در کشورها متفاوت است.

و با چاقویی که همراه داشت چند ضربه به سر او زد.

وقتی دیدیم هر دو نفرشان زخمی شده‌اند، فرار کردیم.

برای کمکشان کاری نکردیدی؟

نه فکر نمی‌کردیم زخم‌ها جدی باشد.

کجا رفتید؟

به خانه‌ام رفتم.

شیما چکار کرد؟

از او خواستم حالا که کار به اینجا کشیده پیش من بماند. او هم قول داد برای همیشه کنار من می‌ماند اما روز بعد از بچه محل‌هایش شنیدم که شوهر کرده و این موضوع را مخفی کرده است.

خودش چه واکنشی داشت؟

خودش این موضوع را قبول داشت پدرش او را در این ۲۰ روزی که نبود مجبور کرده بود با مردی که ۲۰ سال از خودش بزرگ‌تر است ازدواج کند. وقتی این حرف‌ها را شنیدم دنیا روی سرم خراب شد. از خانه بیرون رفتم تا خرید کنم. وقتی برگشتم شیما فرار کرده بود.

چه زمانی فهمیدی سهیل مرده است؟

وقتی دستگیر شدم. می‌دانستم در کماست اما فکر می‌کردم زنده می‌ماند.

چرا وقتی دستگیر شدی، همراهت قرص بربخ بود؟

می‌خواستم اگر سهیل فوت شد، خودکشی کنم.

سابقه خودکشی داری؟

بله چندبار خودکشی کرده‌ام.

حرف آخر؟

شیما زندگی من، میثم و سهیل را نابود کرد و رفت. ما همه قربانی او شدیم. به‌خاطر خیانت او همه زندگی‌ام را باختم.



قصاص باشم.

پرونده پسر ۱۷ ساله به دلیل نبود صلاحیت رسیدگی به اتهام مباشرت در قتل عمدی به دادسرای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان تهران ارسال شد.